



مصباح، مجتبی، مبانی اندیشه اسلامی-۱: معرفت‌شناسی (ویراست جدید)
/ مجتبی مصباح. ● قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام،
انتشارات، ۱۳۹۸. ● ۷ - ۲۱۰ - ۴۴۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸: ISBN ● فهرست‌نویسی
براساس اطلاعات فیپا. ● کتابنامه. ۱. ● شناخت (فلسفه اسلامی). ● الف.
عنوان. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، انتشارات. ب. عنوان
● ۱۸۹/۱ BBR ۵۵/ع ۸۵ ح ۵. ● کتابخانه ملی ایران ● ۴۲۸۸۳-۸۵ م

سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی (۱)

معرفت شناسی

مجتبی مصباح، دانشیار گروه
فلسفه مؤسسه آموزشی و
پژوهشی امام خمینی رحمته
عبدالله محمدی، استادیار
گروه فلسفه علوم انسانی
اسلامی مؤسسه پژوهشی
حکمت و فلسفه ایران

معرفت شناسی: سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی (ویراست جدید)

مؤلف: مجتبی مصباح و عبدالله محمدی

ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

ویراستار محتوایی: علیرضا تاجیک

صفحه آرا: مجید بزم آرا

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۸

قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۲۱۰-۷

۱۵	مقدمه
۱۷	مقدمهٔ معاونت پژوهش
۲۰	مقدمهٔ مؤلفان
۲۳	درس اول: کلیات
۲۵	مقدمه
۲۶	مفهوم شناسی
۲۶	معرفت
۲۷	معرفت شناسی
۲۷	اهمیت و ضرورت مباحث معرفت شناسی
۳۰	ارزش یا اعتبار معرفت
۳۲	معرفت شناسی عام و خاص
۳۲	دربارهٔ مباحث کتاب
۳۳	خلاصه
۳۴	پرسش‌ها
۳۵	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۳۶	پی‌نوشت‌ها
۳۹	درس دوم: علم حضوری
۴۱	مقدمه
۴۱	تعریف علم حضوری

۴۳	اقسام علم حضوری
۴۴	نکاتی درباره علم حضوری
۴۴	۱. تفاوت علوم حضوری از جهت شرایط تحقق آنها
۴۵	۲. همراهی علم حصولی با علم حضوری
۴۶	۳. مراتب داشتن علم حضوری
۴۸	خلاصه
۴۹	پرسش‌ها
۵۰	پی‌نوشت‌ها
۵۱	درس سوم: ارزش علم حضوری
۵۳	مقدمه
۵۴	خطاناپذیری علم حضوری
۵۴	پاسخ به چند شبهه
۵۴	شبیهات
۵۴	۱. خطا در باره خود
۵۵	۲. خطا در باره حالت‌های درونی خود
۵۶	۳. خطا در باره علم به مبدأ هستی خود
۵۶	پاسخ
۶۱	خلاصه
۶۲	پرسش‌ها
۶۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۶۴	پی‌نوشت‌ها
۶۷	درس چهارم: علم حصولی
۶۹	مقدمه
۷۰	تصور و تصدیق
۷۱	بدیهی و نظری
۷۳	تصور جزئی و کلی
۷۴	اقسام تصور جزئی
۷۴	تصور حسی

۷۵	تصور خیالی
۷۶	اقسام تصور کلی
۷۶	مفاهیم ماهوی
۷۷	مفاهیم فلسفی
۷۹	مفاهیم منطقی
۸۰	ویژگی‌های هریک از معقولات
۸۰	لزوم بازشناسی اقسام علم حصولی
۸۲	خلاصه
۸۲	پرسش‌ها
۸۴	پی‌نوشت‌ها
۸۷	درس پنجم: ارزش علم حصولی
۸۹	مقدمه
۸۹	ارزش علم حصولی و مسئلهٔ مطابقت با واقعیت
۹۱	واقعیت و گسترهٔ آن
۹۲	ارزش تصدیقات
۹۳	اقسام تصدیق‌های بدیهی
۹۶	ارزش تصدیق‌های بدیهی
۹۶	ارزش تصدیق‌های نظری
۹۸	درجات ارزش علم حصولی
۱۰۰	جمع‌بندی مباحث مربوط به اقسام علم و ارزش آنها
۱۰۳	خلاصه
۱۰۴	پرسش‌ها
۱۰۷	پی‌نوشت‌ها
۱۰۹	درس ششم: راه‌های معرفت (۱)
۱۱۱	مقدمه
۱۱۲	راه‌های معرفت
۱۱۳	شهود
۱۱۴	ارزش شهود

۱۱۴	حس
۱۱۵	ارزش حس
۱۱۷	تعقل
۱۱۹	ارزش تعقل
۱۲۱	خلاصه
۱۲۲	پرسش‌ها
۱۲۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۲۳	پی‌نوشت‌ها
۱۲۵	درس هفتم: راه‌های معرفت (۲)
۱۲۷	مقدمه
۱۲۷	نقل
۱۳۱	ارزش نقل
۱۳۲	استناد به معرفت دیگران
۱۳۳	ارزش استناد به معرفت دیگران
۱۳۳	تجربه
۱۳۴	ارزش تجربه
۱۳۵	یادآوری
۱۳۶	ارزش یادآوری
۱۳۷	تتمه: راه حل ناسازگاری معرفت‌ها
۱۳۹	جمع‌بندی مباحث مربوط به راه‌های معرفت و ارزش آنها
۱۴۰	خلاصه
۱۴۲	پرسش‌ها
۱۴۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۴۵	پی‌نوشت‌ها
۱۵۱	درس هشتم: شک‌گرایی و نسبی‌گرایی
۱۵۳	مقدمه
۱۵۴	شک‌گرایی
۱۵۵	نسبی‌گرایی

۱۵۷	بررسی مدعای شک‌گرایان و نسبی‌گرایان
۱۵۹	مشکل استدلال بر شک‌گرایی و نسبی‌گرایی
۱۶۰	ادله شک‌گرایان و نسبی‌گرایان و بررسی آنها
۱۶۰	۱. خطا بودن برخی معرفت‌ها
۱۶۱	پاسخ
۱۶۱	۲. ارتباط عمومی امور
۱۶۲	پاسخ
۱۶۳	۳. امکان تصرف ذهن در معرفت
۱۶۴	پاسخ
۱۶۶	۴. ارتباط عمومی معرفت‌ها
۱۶۹	پاسخ
۱۷۲	خلاصه
۱۷۵	پرسش‌ها
۱۷۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۷۷	پی‌نوشت‌ها
۱۷۹	درس نهم: هرمنوتیک فلسفی
۱۸۱	مقدمه
۱۸۲	تعریف هرمنوتیک
۱۸۳	آموزه‌های هرمنوتیک فلسفی
۱۸۳	۱. پیش‌داوری؛ شرط تحقق فهم
۱۸۴	۲. تنوع پیش‌داوری‌ها
۱۸۶	۳. غیراختیاری بودن دخالت پیش‌داوری‌ها در فهم
۱۸۶	۴. امتزاج افق‌ها و تولید معنا
۱۸۸	۵. دور هرمنوتیکی
۱۸۸	نتایج هرمنوتیک فلسفی
۱۸۸	۱. عدم امکان فهم واقع و مراد مؤلف
۱۸۹	۲. ثابت و یک‌سان نبودن فهم
۱۹۰	۳. نسبی‌گرایی
۱۹۱	بررسی و نقد

۱۹۵	نقش پیش‌زمینه‌ها در فهم
۱۹۷	۱. پیش‌زمینه‌های بایسته
۱۹۷	۲. پیش‌زمینه‌های شایسته
۱۹۸	۳. پیش‌زمینه‌های نبایسته
۲۰۰	نحوه برخورد با پیش‌زمینه‌ها
۲۰۳	خلاصه
۲۰۵	پرسش‌ها
۲۰۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۰۷	ضمیمه: تاریخچه هرمنوتیک
۲۰۸	هرمنوتیک کلاسیک
۲۰۹	هرمنوتیک رمانتیک
۲۱۴	پی‌نوشت‌ها
۲۱۹	درس دهم: معرفت دینی
۲۲۱	مقدمه
۲۲۲	مفهوم‌شناسی
۲۲۲	دین
۲۲۵	معرفت دینی
۲۲۵	معرفت‌شناسی دین
۲۲۶	ارزش معرفت دینی
۲۲۷	اهمیت و ضرورت مباحث معرفت‌شناسی دین
۲۲۸	راه‌های معرفت دینی
۲۲۸	شهود
۲۲۸	۱. علم حضوری به خدا
۲۲۹	۲. مکاشفه درباره امور دینی
۲۲۹	۳. الهام
۲۲۹	۴. وحی
۲۳۰	ارزش معرفت دینی مبتنی بر شهود
۲۳۱	حس
۲۳۲	ارزش معرفت دینی مبتنی بر حس

۲۳۲	تعقل
۲۳۳	ارزش معرفت دینی مبتنی بر تعقل
۲۳۳	نقل
۲۳۴	ارزش معرفت دینی مبتنی بر نقل
۲۳۵	استناد به معرفت دیگران
۲۳۵	ارزش معرفت دینی مبتنی بر استناد به معرفت دیگران
۲۳۶	یادآوری
۲۳۷	ارزش معرفت دینی مبتنی بر یادآوری
۲۳۷	اعتبار معرفت به بخش‌های مختلف دین
۲۳۹	راه حل ناسازگاری معرفت‌های دینی با یکدیگر
۲۴۱	راه حل ناسازگاری معرفت‌های دینی با معرفت‌های دیگر
۲۴۱	راه حل ناسازگاری معرفت دینی با معرفت عقلی
۲۴۲	راه حل ناسازگاری معرفت دینی با معرفت علمی
۲۴۲	راه حل ناسازگاری معرفت دینی با معرفت حاصل از مکاشفه
۲۴۴	خلاصه
۲۴۶	پرسش‌ها
۲۴۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۵۲	پی‌نوشت‌ها
۲۵۷	درس یازدهم: تعدد قرائت‌ها
۲۵۹	مقدمه
۲۵۹	نظریه تعدد قرائت‌ها
۲۶۰	مبانی نظریه، و بررسی آنها
۲۶۰	۱. هرمنوتیک فلسفی
۲۶۱	بررسی و نقد
۲۶۳	۲. نمادین بودن زبان دین
۲۶۴	بررسی و نقد
۲۶۵	شواهدی برای نظریه تعدد قرائت‌ها، و بررسی آنها
۲۶۶	۱. وجود ظاهرو باطن در متون دینی
۲۶۶	بررسی و نقد

۲۶۷	۲. اعتبار فتواها و تفسیرهای مختلف
۲۶۸	بررسی و نقد
۲۷۱	عوامل پیدایش اختلاف نظر در فهم متون دینی
۲۷۵	خلاصه
۲۷۶	پرسش‌ها
۲۷۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۷۹	ضمیمه: تغییر در حوزه دین
۲۸۱	انواع تغییر در حوزه دین
۲۸۱	۱. تغییر موضوع
۲۸۲	۲. احکام ثانویه
۲۸۲	۳. تقدیم اهم بر مهم در تراجم احکام
۲۸۳	۴. احکام حکومتی
۲۸۳	۵. نسخ
۲۸۵	نتیجه
۲۸۷	پی‌نوشت‌ها
۲۸۹	درس دوازدهم: پلورالیسم دینی
۲۹۱	مقدمه
۲۹۲	مفهوم‌شناسی
۲۹۲	پیشینه
۲۹۵	مبانی پلورالیسم دینی
۲۹۷	تیین پلورالیسم دینی
۲۹۹	بررسی و نقد
۳۰۱	رستگاری و نجات
۳۰۱	نجات‌یافتگان از نظر اسلام
۳۰۵	شواهدی برای نظریه پلورالیسم دینی، و بررسی آنها
۳۰۵	۱. هدایت عام خداوند
۳۰۵	بررسی و نقد
۳۰۶	۲. مأجور بودن پیروان ادیان مختلف
۳۰۷	بررسی و نقد

۳۱۰	۳. وجود راه‌های گوناگون به سوی خدا
۳۱۰	بررسی و نقد
۳۱۱	خلاصه
۳۱۳	پرسش‌ها
۳۱۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۱۷	پی‌نوشت‌ها
۳۲۳	منابع
۳۲۵	کتاب‌ها
۳۲۸	مقالات
۳۲۹	انگلیسی

مقدمه

● مقدمهٔ معاونت پژوهش

● مقدمهٔ مؤلفان

مقدمه

مقدمه معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام‌دار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان برحق و گرامی او ﷺ، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و

دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفتهٔ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشوarter است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامهٔ درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینهٔ علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایستهٔ خویش را در صحنهٔ علمی بین‌المللی بازابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایستهٔ نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این‌رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته

است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو معرفت‌شناسی که با تلاش پژوهشگران ارجمند حجج الاسلام والمسلمین آقایان دکتر مجتبی مصباح و دکتر عبدالله محمدی نگارش یافته است. هدف اصلی نویسندگان ارائه مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی به منظور تبیین اندیشه اسلامی است.

معاونت پژوهش از مؤلفان محترم و حجج الاسلام والمسلمین آقایان محمد حسین‌زاده یزدی، اکبر میرسپاه و محمود فتحعلی که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

مقدمه مؤلفان

انسان به طور طبیعی به سرنوشت خود علاقه‌مند است، و نمی‌تواند در برابر گزینه‌های پیش روی خود بی‌اعتنا باشد. از این رو، هنگام انتخاب می‌اندیشد و از دیگران کمک می‌گیرد؛ بدان امید که گزینهٔ درست را بیابد. احتمال انتخاب راهی که سرنوشتی نامطلوب و برگشت‌ناپذیر در پی داشته باشد، هر عاقلی را وامی‌دارد که پیش از قدم نهادن در راه، از درستی آن اطمینان یابد؛ به‌ویژه اگر آن راه، مسیر کلی زندگی باشد، و احتمال خطر، نامحدود. از این روست که پی‌جویی دین حق و آیین درست زندگی، دغدغهٔ هر خردمندی است که از دام غفلت و اسارت روزمرگی رهیده است.

دین و آیین درست را اما آیا می‌توان با آزمون و خطا برگزید؟ شاید آیینی که لذت‌بخش و شادی‌آفرین باشد یا قدرتی افسانه‌ای در اختیارمان بگذارد و چشمان دیگران را خیره کند، بهترین باشد. اما از کجا که آرمان زندگی همین‌هاست که پنداشته‌ایم؟ مگر در کودکی لذت‌ها و شادی‌هایی نداشتیم که پس از رسیدن به جوانی، آنها را بی‌ارزش و ملال‌آور یافتیم؟ آیا لذت، شادی و قدرتی برتر از آنچه از پیروی چنین آیینی به دست می‌آید، وجود ندارد؟ اگر با پا نهادن در این آزمون، خطری جبران‌ناپذیر دامن‌گیرمان شود، چه کنیم؟ آیا می‌توان از درستی راه، پیش از پیمودن آن، اطمینان یافت؟

شاید اگر کسی را می‌یافتیم که سخنش برای ما قابل اعتماد بود، در این راه از او یاری می‌جستیم. اما برای اطمینان از راهی که یافتن راهنما نیز بخشی است از خود راه، چه باید کرد؟ گویا چاره‌ای جز استمداد از داوری عقل نیست، و بی‌ریزی اعتقادات اصلی دین جز بر مبنای عقل، استوار ساختن آن بر مبنایی ناستوار است. بهتر است انتخاب خود را بر پایه‌ای معقول بنا کنیم، تا هیچ پشیمانی در پی نداشته باشد. اما آیا ممکن نیست خرد ما نیز به بیراهه رود؟ داده‌های نخستین عقل و

دستگاه استدلال‌ساز آن، چرا درخور اعتماد باشند؟ آیا راهی برای سنجش اعتبار آنها وجود دارد؟

به نظر می‌رسد آن‌گاه که بخواهیم بینش خود را تعمیق بخشیم، باید از این بحث بنیادی آغاز کنیم که دانسته‌های ما از کجا مایه می‌گیرند، و چه اعتباری دارند؟ و هر گونه تحقیق جدی در معارف و آموزه‌های دین نیز، باید از تحقیق در اعتبار بنیان‌های معرفت آغاز شود. در این کتاب، که نخستین کتاب از مجموعه اندیشه‌های بنیادین اسلامی است، در پی آنیم که برای تعمیق آموزه‌های اسلامی، ابتدا کارایی راه‌های معرفت دینی را بدانیم، تا در مباحث دیگر از آنها بهره‌گیریم. معرفت‌شناسی به طور مطلق، و معرفت‌شناسی دین به‌خصوص، گرچه دانش‌هایی فراخور این مباحث‌اند، در این کتاب مجال پرداختن به آنها در سطح تخصصی و گسترده نیست. بدین رو، از این مباحث، تنها آنچه برای هدف مزبور ضروری به نظر می‌رسید، گزینش شده، و طبعاً بررسی تخصصی و تفصیلی آنها نیازمند مطالعات تکمیلی در رشته‌های خاص است.

در نگارش این کتاب، از تألیفات و تحقیقات استادان و صاحب‌نظران استفاده شده است و بجاست که به طور ویژه میراث علمی مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری -رضوان الله علیهما- و آیت‌الله مصباح را ارج نهیم، و نیز از استاد محمد حسین زاده، که افزون بر نگارش ویراسته پیشین این کتاب، زحمت نظارت بر نگارش این کتاب را نیز پذیرفتند، تشکر و قدردانی کنیم، و نیز بابت کاستی‌ها و نقایص این اثر عذرخواهی کنیم. امید که مقبول درگاه احدی، و مورد استفاده خوانندگان گرامی قرار گیرد.

کتاب حاضر برای دو واحد درسی تنظیم شده، و گرچه بر آن بوده‌ایم که از مصطلحات و مباحث تخصصی تا حد امکان پرهیز شود، دریافت نکات آن نیازمند شرکت در کلاس درس است. همچنین در باره مباحث مطرح‌شده، طبعاً نکات و

پرسش‌هایی به ذهن خواننده می‌آید، که برای رعایت اختصار، از آوردن آنها در متن پرهیز کرده، و تنها به برخی یادداشت‌های ضروری بسنده کرده‌ایم، و نکات دیگر را به کتاب راهنمای استاد وامی‌گذاریم.

مجتبی مصباح
عبدالله محمدی
بهار ۱۳۹۷

درس اول

کلیات

از دانش پژوه انتظار می رود پس از فراگیری این درس:

۱. مقصود از معرفت در مباحث معرفت شناسی را بداند؛
۲. از مسائل کلی دانش معرفت شناسی اطلاع یابد؛
۳. بتواند اهمیت و ضرورت مباحث معرفت شناسی را تبیین کند؛
۴. معنای ارزش یا اعتبار معرفت را بداند؛
۵. تفاوت معرفت شناسی عام و خاص را بداند؛
۶. دلیل انتخاب مباحث این کتاب را از میان مباحث معرفت شناسی توضیح دهد.

کلیات

❖ از روی پله‌های نردبان با آرامش بالا می‌رفت که ناگهان نگاهش به پایین افتاد. نردبان به جایی تکیه نداشت، و تازه فهمیده بود که در حال سقوط آزاد است! آنان که در همه چیز دچار تردید می‌شوند، چنین حالتی را تجربه می‌کنند؛ حالتی که افزون بر تردید، همراه با ترس و نومیدی نیز هست. آیا با تلاش علمی، به راستی از پله‌های معرفت بالا می‌رویم، یا بدون آنکه متوجه باشیم، در فضای جهل در حال سقوط آزادیم؟

مقدمه

معرفت‌ها از منابع گوناگون به دست می‌آیند، و با معرفت‌های اولیه، معرفت‌های دیگری تولید می‌شود. بخشی از محصولات معرفتی مستقیماً به مصرف می‌رسند، و برخی برای استفاده دیگران به بازار معرفت عرضه می‌شوند. در هر گوشه از بازار معرفت، نوعی از معارف عرضه، و با ابزاری خاص سنجیده می‌شود: برخی، کالای معرفتی خود را با محک حس و تجربه می‌آزمایند؛ بعضی آن را با ترازوی عقل وزن می‌کنند، و برخی آن را با شهوّد می‌سنجند. کاربرد معرفت‌ها نیز متنوع است و هریک از آنها اهمیت خاص خود را دارد: بعضی معرفت‌ها برای گذران زندگی روزمره مادی مفیدترند، و دسته‌ای منافع معنوی بیشتری دارند: علوم تجربی در صنعت، تکنولوژی

و رفاه مادی مؤثرند؛ علوم ریاضی در مهندسی نقش دارند و پایه‌ای برای علوم تجربی نیز شمرده می‌شوند؛ علوم فلسفی به ما نگرشی کلی دربارهٔ جهان، و آغاز و انجام آن می‌دهند؛ دانش اخلاق در یافتن هدف و معنای زندگی سود می‌رساند، و هدایت رفتار را بر عهده می‌گیرد؛ و... .

معرفت‌شناس همچون کسی که بر فراز قله‌ای ایستاده، با نگاهی به مجموع این فعالیت‌ها، به این می‌اندیشد که آیا آنچه با نام معرفت، فراچنگ می‌آید، درخور اعتماد است؟ آیا ابزارهای اندازه‌گیری و اعتبارسنجی معارف درست کار می‌کنند؟ چگونه می‌توان معرفت حقیقی را از معرفت غیر حقیقی تمییز داد؟ و... . برای ورود به این گونه مباحث، پیش از هر کار، می‌باید واژه‌های اصلی را توضیح دهیم.

مفهوم‌شناسی

نخست مقصود از «معرفت» را در این مباحث بیان می‌کنیم و با اشاره به مسائل مختلف دانش «معرفت‌شناسی»، توضیحی کوتاه در بارهٔ این دانش می‌دهیم.

معرفت

واژه «معرفت» و معادل‌ها و مشابه‌های آن در زبان‌های مختلف کاربردهای متنوعی دارند، و احیاناً هر یک از آنها نیز دارای ویژگی‌های مفهومی خاصی است.^(۱) با این حال و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های مزبور، که مربوط به معنای لغوی این واژه‌هاست، می‌توان «معرفت» را مساوی با آگاهی و شناخت به شمار آورد.^(۲) بنا بر این در این مباحث هر جا «معرفت» یا واژه‌های مشابه آن را به کار می‌بریم، مقصودمان آگاهی است. گرچه ممکن است هنگام بحث از معرفت، آن را در گونه‌ای خاص محدود کنیم، برای آنکه بتوانیم بحثی جامع داشته باشیم، لازم است آن را به نوعی خاص اختصاص ندهیم.

معرفت‌شناسی

معرفت یا علم، به معنایی که گفته شد، اقسام گوناگونی دارد. از باب مثال، برخی معرفت‌ها جزئی‌اند، مانند آنچه از راه حواس گوناگون می‌شناسیم، و برخی از آنها کلی‌اند، مانند قوانین تجربی یا ریاضی. همچنین در بسیاری موارد، مجموعه‌ای از معارف جزئی یا کلی را که درباره موضوعی خاص هستند، شاخه‌ای از علم و دانش می‌شمارند، مانند علم فیزیک یا پزشکی، و گاه نیز بر حسب روش تحقیق دسته‌بندی‌شان می‌کنند، مانند علوم تجربی، علوم عقلی و علوم نقلی. طبعاً هر معرفتی، دانشی است درباره چیزی؛ اما معرفت‌شناسی،^۱ دانشی است درباره خود معرفت. کار معرفت‌شناس، پاسخ دادن به پرسش‌هایی از این دست است:

- معرفت چیست؟

- آیا معرفت امکان‌پذیر است؟

- اقسام آن کدام‌اند؟

- معرفت از چه راه‌هایی به دست می‌آید؟

- چگونه می‌توان معرفت‌های گوناگون را ارزیابی، و اعتبار آنها را مشخص کرد؟

پس می‌توان گفت: معرفت‌شناسی دانشی است که درباره مسائلی همچون

چیستی و امکان معرفت، و نیز اقسام، راه‌ها و اعتبار معرفت‌ها بحث می‌کند.^(۳)

اهمیت و ضرورت مباحث معرفت‌شناسی

گاه به مسئله‌ای برمی‌خوریم که صاحب‌نظران در باره آن اختلاف دارند. مباحثات علمی میان آنها در بسیاری از موارد به فرجامی روشن نمی‌رسد. ممکن است هر یک برای دیدگاه خود شواهدی از حس و تجربه، استدلال عقلی، یا متون تاریخی یا دینی

1. Epistemology / theory of knowledge.

ارائه کنند. چگونه می‌توان در این منازعات داوری کرد و حقیقت را باز شناخت؟ افزون بر این، در مواردی که اتفاق نظر وجود دارد نیز این پرسش مطرح است که آیا ممکن نیست در فهم حقیقت، اشتباهی رخ داده باشد؟ از چه راهی می‌توانیم احراز کنیم که فهم ما یا دیگران مطابق با واقع است؟ و در نتیجه، چگونه می‌توانیم به فهم خود یا دیگران اعتماد کنیم؟ آیا معرفت حسی و تجربی ممکن نیست خطا باشد؟ معرفت عقلی چطور؟ اگر همه فهم‌ها خطاپذیر باشند، چگونه می‌توان به دانش‌های گوناگون اعتماد کرد؟ و به کدام معرفت حسی یا عقلی خود، یا نتیجه تحقیق دیگران می‌توان اتکا کرد؟ آیا حقیقت دست نیافتنی نیست؟ راستی اگر اعتماد ما به معرفت‌هایمان متزلزل شود، چگونه زندگی کنیم؟

اهمیت هر چیزی را آن‌گاه می‌توانیم به درستی دریابیم که فرض کنیم آن را نداریم. برای دانستن اهمیت مباحث معرفت‌شناسی، ابتدا باید اهمیت وجود خود معرفت را مورد توجه قرار دهیم. بدین منظور، ابتدا فرض کنید نه هیچ معرفتی داریم، و نه هیچ راهی به سوی کسب معرفت در کار است، و هیچ یک از منابع یا ابزارهای معرفت به ما اطلاعاتی نمی‌دهند. طبیعی است که بدون وجود هیچ راهی به معرفت، نه در باره خود می‌توانیم چیزی بدانیم و نه در باره پیرامونمان. از سوی دیگر، تمام تصمیم‌های ما مبتنی بر آگاهی‌اند. پس در این حالت، هیچ تصمیمی نیز نمی‌توانیم بگیریم، یا به عبارت دیگر، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، و به تبع، هیچ یک از نیازهای خود را نمی‌توانیم برآورده سازیم. انسانی که هیچ معرفتی ندارد، به جسمی بی‌جان شبیه‌تر است تا به انسان.

از سوی دیگر، شاخه‌های گوناگون علوم، با آگاهی از نیازهای متنوع انسان پدید آمده، و با امید به دستیابی به معرفت‌های خاص، و حل مسائل مربوط، بسط یافته‌اند. بدین ترتیب، فقدان معرفت، به معنای دسترس‌ناپذیری تمام نتایج و اهدافی

است که از همهٔ علوم و دانش‌های گوناگون انتظار داریم. اکنون فرض کنید ما فقط گمان می‌کنیم که چیزهایی را می‌دانیم، اما هیچ معرفت معتبری نداریم، و نمی‌توانیم اعتبار هیچ یک از معرفت‌های خود را تشخیص دهیم. در این صورت نیز در واقع، معرفتی نداریم، بلکه تنها می‌پنداریم به چیزهایی معرفت داریم. اگر نتوان معرفت حقیقی را از معرفت غیر حقیقی تمییز داد، چگونه می‌توان به دستیابی به نتایج معرفت حقیقی امیدوار بود؟ آیا فیزیک‌دانان، شیمی‌دانان، کیهان‌شناسان، زیست‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، ریاضی‌دانان، فیلسوفان، دین‌شناسان و سایر محققان در علوم گوناگون می‌توانند واقعیت‌هایی را که در بارهٔ آنها تحقیق می‌کنند به‌درستی بدانند، یا هیچ‌گاه نمی‌توانند معرفت معتبری در بارهٔ موضوعات مورد تحقیق خود پیدا کنند؟ استفاده از راه‌های مختلف معرفت، با این امید معقول است که دست‌کم در مواردی، بتوان به معرفتی معتبر دست یافت. در غیر این صورت، تمام تلاش‌های علمی بیهوده خواهند بود.

از آنچه گفتیم روشن می‌شود که معرفت‌ها راه ارتباط و تعامل ما با دیگران، و حتی با خودمان، و نیز پیش‌نیاز همهٔ تصمیم‌ها و اعمال ما هستند، و بدون داشتن معیاری برای تشخیص معرفت حقیقی از معرفت‌های غیر حقیقی، هرگونه تلاش علمی برای دستیابی به اهداف مزبور، بیهوده خواهد بود. بدین ترتیب، اهمیت مباحث معرفت‌شناسی به اندازهٔ اهمیت معرفت‌هایی است که داریم و می‌توانیم داشته باشیم. اگر معرفت‌های حسی بی‌اعتبار باشند، مانند آن است که آنها را نداشته باشیم؛ زیرا کسی که آنچه را می‌بیند معتبر نداند، با نابینا مساوی است. اگر معرفت‌های تجربی هیچ اعتباری نداشته باشند، مانند آن است که تجربه و علوم تجربی وجود نداشته باشند. اگر معرفت‌های عقلانی معتبر نباشند، مانند آن است که از عقل بی‌بهره باشیم، و علوم عقلی وجود نداشته باشند. اگر معرفت‌های دینی بی‌اعتبار باشند،

مانند آن است که معرفتی در باب دین نداشته باشیم، و... اکنون فرض کنید - چنان که دین اسلام مدعی است - سعادت دنیا و آخرت ما در گرو معرفت به دین، و عمل به آن باشد. چنانچه معرفت دینی معتبری نداشته باشیم، دستیابی به سعادت دنیا و آخرت ناممکن خواهد بود. نبود معرفت اخلاقی معتبر نیز می‌تواند به لابلایگری، مسئولیت‌ناپذیری و هرج و مرج بینجامد. اگر دستیابی به معرفت معتبر ناممکن باشد، همهٔ تلاش‌های علمی و عملی، تکاپو برای هیچ‌اند.

معرفت‌شناسان، با توجه به نتایج زیان‌باری که اعتبار نداشتن معرفت در حوزه‌های گوناگون معرفتی می‌تواند در پی داشته باشد، به بررسی مباحث معرفت‌شناسی به طور کلی یا در حوزه‌ای خاص پرداخته‌اند. بدین ترتیب، مهم‌ترین مسئلهٔ معرفت‌شناسی، بررسی اعتبار معرفت است، و سایر مباحث را می‌توان مقدمه‌ای برای این مبحث اصلی به شمار آورد.

با توجه به آنچه گفتیم، روشن می‌شود هنگامی که در بارهٔ مسئله‌ای به تحقیق می‌پردازیم، با این پیش‌فرض آغاز می‌کنیم که کسب معرفت معتبر به نتیجهٔ تحقیق امکان‌پذیر است، و روش‌ها، منابع و ابزارهای کارآمدی برای آن وجود دارد. اما چنانچه بخواهیم بحثی بنیادی داشته باشیم، پیش از هر چیز، باید در بارهٔ همین پیش‌فرض‌ها سخن بگوئیم. بدین ترتیب، گام اول در پی جویی اندیشه‌های بنیادی اسلامی آن است که بدانیم چگونه می‌توانیم اعتبار معرفت‌هایی را که در پی تحصیل آنها هستیم احراز کنیم.

ارزش یا اعتبار معرفت

ممکن است دانستن چیزی برای ما از جهات گوناگون ارزشمند باشد. مثلاً با دانستن عوامل ایجاد یک بیماری، می‌توانیم از بروز آن پیشگیری کنیم، و با دانستن راه درمان